

## بررسی نسبت بین امنیت سیاسی و آزادی سیاسی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری

علی اصغر نصیری<sup>۱</sup>  
نجف لکزایی<sup>۲</sup>

### چکیده

تنظیم مناسبات امنیت و آزادی از جمله‌ی مسایل ضروری در هر اجتماع انسانی است. با این وجود، پژوهش‌های اندکی در این زمینه صورت گرفته است. شناخت دیدگاه اندیشمندان اسلامی در مورد نسبت امنیت و آزادی از جمله‌ی روش‌هایی است که در تنظیم آن نسبت راه‌گشا است. این مقاله درصدد است تا دیدگاه مقام معظم رهبری را درباره‌ی نسبت امنیت سیاسی و آزادی سیاسی به‌دست آورد. سوآلی که در این‌جا مطرح می‌شود این است که مناسبات امنیت سیاسی و آزادی سیاسی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، چگونه است؟ برای پاسخ به این سوآل، از روش توصیفی تحلیلی و از نظریه‌ی استخدام (ادراکات اعتباری علامه طباطبایی<sup>۳</sup>) به‌عنوان چارچوب نظری و ابزار برهان خُلف استفاده شده است. یکی از مهمترین یافته‌های این مقاله این است که امنیت سیاسی و آزادی سیاسی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، نسبتی تعاملی و تلازمی دارند و این نسبت به اعتقاد ایشان، نشأت گرفته از ویژگی متعالی در هر یک از امنیت و آزادی است. نتایج این پژوهش ضمن ایجاد توسعه‌ی علمی در مباحث مربوط به امنیت و آزادی، در امر قانونگذاری و حلّ تزااحمات در نظام سیاسی کاربرد دارد.

**کلید واژه‌ها:** آیت‌الله خامنه‌ای، امنیت سیاسی، آزادی سیاسی، مناسبات تعاملی و تلازمی.

**Email:** A.n91@chmail.ir

۱- دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیّه قم، دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) و پژوهشگر پژوهشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)

**Email:** Nlakzaee@gmail.com

۲- استاد دانشگاه باقرالعلوم (ع) و رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱

## مقدمه

تقدم امنیت بر آزادی، تقدم آزادی بر امنیت و تعامل و تلازم امنیت و آزادی، سه حالت عمده در مناسبات امنیت و آزادی شمرده می‌شود. اهمیت و لزوم وجود توأمان امنیت و آزادی در زندگی اجتماعی انسان، توجه به کیفیت مناسبات میان آن دو مقوله را در جامعه، ضروری می‌سازد. به طوری که بی‌توجهی نسبت به ترسیم رابطه‌ای تعادلی و خالی از افراط و تفریط میان امنیت و آزادی، استبداد (تقدم امنیت بر آزادی)، هرج و مرج و عدم تعالی (تقدم آزادی بر امنیت) را در جامعه رقم خواهد زد. با وجود این ضرورت و اهمیت، پژوهش‌های زیادی در این باب به‌ویژه، پژوهش‌هایی که نسبت امنیت سیاسی و آزادی سیاسی را از منظر اندیشمندان اسلامی بررسی کرده باشد، مشاهده نمی‌شود. در این میان، شناخت دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای از علمای برجسته‌ی جهان اسلام و رهبر انقلاب اسلامی، درباره‌ی نسبت آزادی سیاسی و امنیت سیاسی حائز اهمیت است. به‌ویژه این‌که به نظر نگارنده تاکنون پژوهشی که نسبت امنیت سیاسی و آزادی سیاسی را در اندیشه‌ی ایشان بررسی کرده باشد، صورت نپذیرفته است. از این‌رو، این پژوهش درصدد است تا با توجه به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع امنیت سیاسی و آزادی سیاسی، با بهره‌گیری از نظریه‌ی استخدام علامه طباطبایی(ره) در قالب برهان خلف، دیدگاه ایشان را درباره‌ی نسبت میان آن دو مقوله تبیین کند. به‌همین منظور، در ابتدا، چارچوب نظری پژوهش، مفهوم آزادی و امنیت از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای تبیین می‌گردد. سپس با بهره‌گیری از نظریه‌ی استخدام و برهان خلف، نسبت بین امنیت و آزادی در بُعد سیاسی از دیدگاه ایشان تبیین می‌گردد.

## چارچوب نظری

چارچوب نظری منتخب در این پژوهش، برگرفته از نظریه‌ی ادراکات اعتباری علامه طباطبایی(ره) است. از دیدگاه علامه، ادراک‌های انسان به ادراک‌های واقعی و اعتباری تقسیم می‌شود. ادراک‌های واقعی، از واقعیت خارجی حکایت می‌کند. اما ادراک‌های اعتباری، چنین نیستند بلکه فرض‌ها و قراردادهایی هستند که ذهن انسان برای رفع نیازهای حیاتی خود ساخته است (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۶: ۳۷۲). از دیدگاه علامه طباطبایی(ره) وجود ویژگی‌هایی در انسان از قبیل علمی بودن، فعال بودن، پیروی اراده از علم، اقتضاء می‌کند که انسان، به ادراک‌هایی نیازمند باشد که برانگیزاننده‌ی اراده‌ی وی به سوی عمل باشد. در این بین، تنها ادراک‌های اعتباری می‌توانند چنین انگیزشی را ایجاد کنند. در واقع، آفرینش انسان به‌گونه‌ای است که در راستای سیر تکاملی‌اش، برای برطرف کردن نیازهای وجودی خود، به‌واسطه‌ی ادراکات اعتباری، آثاری حقیقی در عالم خارج ایجاد می‌کند (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۶: ۴۵۲-۴۵۳).

اعتباریات از دیدگاه علامه طباطبایی(ره)، به دو دسته‌ی اعتباریات پیش از اجتماع و پس از اجتماع تقسیم می‌شود. مواردی از قبیل، اعتبار مالکیت، امر و نهی، ریاست و مرئوسیت از جمله‌ی اعتباریات پس از اجتماع می‌باشند. متغیر بودن ویژگی این قسم است. درحالی‌که ثابت بودن، ویژگی اعتباریات پیش از

اجتماع است و انسان در افعال خود ناگزیر از اعتبار آن است. اعتبار استخدام، اجتماع و عدالت از جمله‌ی اعتباریات پیش از اجتماع می‌باشد. انسان در اعتبار استخدام، در ارتباط با دیگر انسان‌ها، پیوسته از همه، سود خود را می‌خواهد. او در اعتبار اجتماع نیز برای رسیدن به سود خود، سود دیگر انسان‌ها را می‌طلبد. اما انسان در اعتبار عدالت، برای محقق ساختن سود همه، تحقق عدل اجتماعی را خواستار است. در مجموع، زندگی اجتماعی، حداقل، مستلزم اعتبار استخدام طرفینی است و زندگی اجتماعی عادلانه (متعالی) مستلزم سود رسانی متقابل عادلانه است که این خود، نوعی قرارداد ضمنی و عملی شمرده می‌شود (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۶: ۴۳۸-۴۴۱). بی‌توجهی به آن قرارداد و برقراری استخدام یک‌طرفه (استخدام مذموم و استبدادی) (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۶: ۴۳۸-۴۴۱)، ضمن نابود کردن اجتماع تعاونی عادلانه، زمینه‌ساز امنیتی ناعادلانه و شکل‌گیری مکاتب امنیتی متدانیه (امنیت موجود در نظام‌های طاغوتی اعم از خودکامه یا مردمی، غیردینی یا ضدّ دینی (لک‌زایی، ۱۳۹۰: ۱۹-۵۲)) و آزادی متدانیه خواهد شد. از این‌رو، برای برقراری اجتماع تعاونی عادلانه و استمرار آن، تشریح و وضع قوانین کلی الهی که خالی از هرگونه منفعت‌طلبی شخصی است، ضرورت می‌یابد (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۶: ۴۳۸-۴۴۱). در واقع، عمل به قوانین دینی، استخدامی دوطرفه را به‌وجود خواهد آورد که زمینه‌ساز امنیتی عادلانه و شکل‌گیری مکتب امنیتی متعالیه و آزادی متعالیه می‌گردد (لک‌زایی، ۱۳۸۹: ۷۲-۷۶).

جدول ۱: نظریه‌ی استخدام و نسبت امنیت و آزادی

نسبت امنیت و آزادی	تأثیر بر آزادی	تأثیر بر امنیت	نتیجه			اعتبار
			ظلم و سلطه‌طلبی / تحقق / اجتماع مذموم ناعادلانه	عدم مقید به وحی	یک طرفه	
تقدم امنیت بر آزادی / تقدم آزادی بر امنیت	سلب آزادی/آزادی متدانی (ناعادلانه): آزادی حداقلی <sup>۳</sup> حداکثری <sup>۴</sup>	تولید ناامنی / مکتب امنیتی متدانی حداقلی <sup>۱</sup> حداکثری <sup>۲</sup>	ظلم و سلطه‌طلبی / تحقق / اجتماع مذموم ناعادلانه	عدم مقید به وحی	یک طرفه	انسان در ارتباط با دیگر انسان‌ها، پیوسته از همه سود خود را می‌خواهد.
تعامل و تلازم امنیت و آزادی	آزادی متعالی (عادلانه)	تولید امنیت عادلانه / مکتب امنیتی متعالی	عدالت / تحقق اجتماع تعاونی عادلانه	مقید به عدم مغایرت با وحی	دو طرفه	استخدام

## مفهوم‌شناسی

### ۱. مفهوم آزادی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری

آزادی در لغت به معنای رهایی، ضد بندگی، قدرت عمل، ترک عمل و قدرت انتخاب است (عمید، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۴؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۱۷). آزادی منفی (رهایی و فقدان مانع)، آزادی مثبت (آقا و صاحب اختیار خود بودن) (برلین، ۱۳۶۸: ۲۳۶ و ۲۴۹)، فقدان مانع در مقابل شخص برای رسیدن به هدف (Gray, 1991: 12؛ میراحمدی، ۱۳۸۱: ۲۶) از جمله‌ی تعاریف اصطلاحی آزادی در قالب تلقی سلبی و ایجابی می‌باشند. به اعتقاد نگارنده، مفهوم آزادی از مفاهیم سازه‌ای<sup>۵</sup> است و تعریف مفاهیم سازه‌ای نیز از طریق

۱. منظور از امنیت متدانی حداقلی امنیتی است که در نظام‌های استبدادی وجود دارد که در واقع، امنیت سیاسی طبقه‌ی حاکم می‌باشد.

۲. منظور از امنیت متدانی حداکثری امنیتی است که در نظام‌های مردم‌سالار سکولار وجود دارد.

۳. منظور از آزادی متدانی حداقلی آزادی موجود در نظام‌های استبدادی است.

۴. منظور از آزادی متدانی حداکثری، آزادی موجود در نظام‌های مردم‌سالار سکولار است.

۵. «مفاهیم سازه‌ای در عرض مفاهیم بسیط به کار می‌رود. مفاهیم بسیط با تعاریف یک‌جمله‌ای برای همگان قابل فهم هستند، برخلاف مفاهیم سازه‌ای که هر چقدر جملات بیشتری در تعریف بیاید، بر پیچیدگی مفهوم می‌افزاید. برای مثال، اگر راستی را به « گفتار مطابق با واقع» تعریف کنیم برای همه قابل فهم است. اما اگر امنیت را به عدم خوف یا آرامش یا عدم تهدید یا حفظ ارزش‌ها

ارایه‌ی سازه می‌باشد. از ویژگی‌های نگاه سازه‌ای به مفهوم آزادی، این است که هر مکتبی می‌تواند سازه‌ی آزادی را با توجه به نظام فرهنگی و ارزشی خود بنا کند. بنابراین، از میان تعاریف ارائه شده برای آزادی، فقط تعریف آزادی به «فقدان مانع در مقابل شخص در انجام دادن یا برخوردار بودن از چیزی» قابل پذیرش است و به صورت سازه‌ای بیان شده است: فقدان «ب» (مانع) در مقابل «الف» (فاعل) برای رسیدن به «ج» (انجام دادن «ج» یا برخوردار بودن از «ج»). این تعریف علاوه بر قابلیت تطبیق با دو تلقی سلبی و ایجابی از آزادی، به دلیل تعبیه‌ی وجه غایت (برای رسیدن به «ج») در تعریف، به تلقی اسلامی از آزادی (آزادی متعالی) نزدیک‌تر است. زیرا در تعریف آزادی متعالی، وجه غایت، عنصری کلیدی محسوب می‌شود و آزادی فرد و جامعه تنها در صورت همسو بودن و یا عدم مضر بودن آن آزادی برای تعالی و کمال انسانی پذیرفته است.

آزادی در یک تقسیم‌بندی، به آزادی متعالی و متدانی تقسیم می‌شود. در آزادی متعالی، آزادی شهروندان در چارچوب احکام شریعت اسلامی تعریف می‌شود. آزادی متدانی، خود به آزادی متدانی حداکثری و آزادی متدانی حداقلی تقسیم می‌شود. در آزادی حداکثری، آزادی سیاسی شهروندان مقید به رعایت احکام شریعت اسلامی نیست. آزادی موجود در دموکراسی‌های غربی از جمله‌ی مصادیق این قسم است. اما در آزادی حداقلی، شهروندان از حقوق و آزادی اولیه‌ی نیز محروم می‌شوند. آزادی موجود در نظام‌های استبدادی از جمله‌ی مصادیق این قسم است.

از دیدگاه آیت‌الله‌خامنه‌ای مفهوم آزاد بودن انسان‌ها، قرن‌ها پیش از مطرح شدن در اروپا در اسلام، مطرح شده است (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۶۵/۹/۱۴) و واژه‌ی آزادی با تمام خصوصیات مفهومی آن، جزء فرهنگ رایج و شناخته شده‌ی ملت اسلام بوده است (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۶۵/۹/۱۴).

«در وصیت امیرالمؤمنین (ع) به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) همین کلمه‌ی آزادی آمده که: «لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۳: ۸۶). بنده‌ی غیر خودت مباش، که خدا تو را آزاد آفریده است» (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۶۵/۹/۱۴).

آیت‌الله‌خامنه‌ای، آزادی را هدیه‌ای الهی معرفی می‌کند که جزء فطرت مردم (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۷۸/۱/۱) و از نیازهای اصلی انسان (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۷۸/۱/۲۳) و حتی برتر از سایر حقوق انسانی است (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۷۷/۶/۱۲). به طور کلی، اعتقاد ایشان به آزادی، تاکتیک نیست که با تعامل و مصلحت‌سنجی‌های دنیوی تغییر کند. بلکه امری اصولی است که ریشه در واقعیت خارجی دارد. «اعتقاد ما به آزادی، یک مسئله‌ی تاکتیکی نیست؛ یک مسئله‌ی واقعی است» (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۸۸/۶/۸). همچنین، اعتقاد آیت‌الله‌خامنه‌ای به آزادی و تأمین حقوق شهروندی در مسائل اجتماعی، در توحید و بعثت انبیاء ریشه دارد (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۸۲/۵/۱۵). زیرا اصل توحید از نگاه ایشان، تضمین‌کننده‌ی

آزاد بودن انسان است (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹)، و بعثت پیامبران الهی نیز برای آزاد کردن انسان‌ها بوده است (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۴/۱/۳۰). آیت الله خامنه‌ای در تفسیر آیه‌ی «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف: ۱۵۷) به صراحت به این مطلب اشاره می‌کند ایشان ذیل واژه‌ی «اصر» در این آیه بیان می‌دارند که پیامبران برای باز کردن غلّ و زنجیرهایی که سبب تمایلات پست مادی، تبعیض و ظلم در میان انسان‌ها شده است، مبعوث شده‌اند.

«از جمله‌ی مطالبی که در این آیه [وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ] (اعراف: ۱۵۷) آمده، این است که پیامبر(ص) بندها را از پاهای انسان‌ها بر می‌دارد. آن غلّ و زنجیرهایی را که به پای انسان‌ها سنگینی می‌کند و مانع از تحرک آن‌ها، پرواز آن‌ها، اوج گرفتن و تکامل آنها می‌شود، از گردن و پاهای شان باز می‌کند... اما همین انسان را شما در این جوامع غربی می‌بینید که اسیر تمایلات پست مادی، اسیر ظلم‌ها، تبعیض‌ها، تلقین‌های پست‌کننده و خفت‌ها و ذلت‌ها شده است. این همان «اصر» است. این همان غلّ و زنجیرها است. پیامبران وقتی وارد جامعه می‌شوند، اولین کارشان این است که این غلّ و زنجیرها را از گردن این زندانی باز کنند... آزادی یعنی این» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۵/۹/۱۴).

از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای، آزادی، وسیله‌ای است که انسان به واسطه آن می‌تواند با انجام انتخاب‌های بزرگ، استعدادهای خود را شکوفا کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۴/۱/۳۰) و به سوی سر منزل انسانیت پرواز کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۱/۹/۱۲) و به مقام عبودیت و قرب الهی (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹) و ۱۳۶۴/۱/۳۰ که تکامل و کمال نهایی انسان است، برسد.

«همین آزادی با این ارزش، برای تکامل است؛ کما اینکه خود حیات انسان برای تکامل است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) خداوند جنّ و انس را آفریده، برای رسیدن به مرتبه‌ی عبودیت او که مرتبه‌ی بسیار والایی است. آزادی هم مثل حقّ حیات است؛ مقدمه‌ای است برای عبودیت» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۶/۱۲).

دیدگاه آیت الله خامنه‌ای درباره‌ی آزادی، ابعاد و اقسام آن، ریشه در آیات و روایاتی همچون «لَا يَسْتَرْفِقُكَ الطَّمَعُ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرّاً» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۵۳)؛ «مَنْ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ كَانَ حُرّاً» (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۴۹)؛ «مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَعْتَقَ نَفْسَهُ وَ أَرْضَى رَبَّهُ» (تمیمی آمدی ۱۴۱۰: ۶۴۰)؛ «إِنَّ الْحُرَّ حُرٌّ عَلَى جَمِيعِ أَحْوَالِهِ إِنْ نَابَتْهُ نَائِبَةٌ صَبَرَ لَهَا وَ إِنْ تَدَاكَتْ عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ لَمْ تَكْسِرْهُ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۸۹) (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۵/۱۰/۵)؛ «أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶) دارد. ایشان مبتنی بر آیات و روایات فوق، موانع آزادی انسان را به دو دسته تقسیم می‌کنند. دسته‌ای که از آن‌ها، به موانع درونی تعبیر می‌شود که صبغه‌ای اخلاقی و فکری دارند، مانند داشتن رذایل اخلاقی (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۵/۹/۱۴) و سلطه‌ی قوه‌ی غضبیه و شهویه بر انسان (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۵/۱۰/۵)، و اسیر خرافات، جهالت‌ها، تعصب‌های جاهلانه و کج‌فکری‌ها بودن (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۳/۱۲). دسته‌ای دیگر از موانع که از آنها، به موانع بیرونی تعبیر می‌شود که صبغه‌ای اجتماعی دارند،

مانند سلطه‌گران و جباران جهانی، سلطه‌ی مستبدان و جباران داخلی، نظام‌ها، سنت‌ها و رویه‌های جاهلی (مقام‌معظم رهبری، ۱۳۵۹/۹/۷)، طاغوت‌ها (مقام‌معظم رهبری، ۱۳۶۱/۹/۱۲)، قدرت‌های دیکتاتور و مستبد (مقام‌معظم رهبری، ۱۳۷۸/۳/۱۲).

در مجموع، باتوجه به مؤلفه‌های مفهوم آزادی که در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای بیان شد می‌توان گفت که تعریف آزادی به «رها شدن انسان از قید و بندهای درونی (سلطه‌ی قوه‌ی غضبیه و شهویه) و بیرونی (سلطه‌ی طاغوت‌های داخلی و خارجی) برای رسیدن به کمال الهی» از دیدگاه ایشان پذیرفته است. آزادی در این تعریف، در چارچوب آزادی متعالی قرار می‌گیرد. زیرا برخلاف تعاریف مرسوم غربی از آزادی که تعاریفی سکولاریستی و متدانی محسوب می‌شوند و توجهی به زندگی آخرتی و قوانین دینی در آزادی انسان ندارند، تعریف آیت‌الله خامنه‌ای از آزادی، ناظر به بُعد اخروی انسان است و رعایت چارچوب‌های الهی و اخلاقی را در آزادی دنیوی انسان لحاظ کرده است.

## ۲. مفهوم امنیت در اندیشه‌ی مقام‌معظم رهبری

واژه‌ی امنیت در لغت به معنای بی‌خوفی، امن، ایمنی، ایمن شدن، در امان بودن، آرامش و آسودگی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳: ۳۳۷۶؛ انوری و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۱: ۵۷۰). با چشم‌پوشی از پیچیدگی (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۰)، ابهام (خلیلی، ۱۳۸۷: ۴۹۷)، اختلاف و مناقشه (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۳۹) در مفهوم اصطلاحی امنیت، عمده‌ی تعاریف آن، تلقی سلبی از امنیت دارند. به‌عنوان مثال، در یکی از این موارد، در تعریف امنیت آمده است: «امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده را مشخص می‌کند و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از حمله علیه ارزش‌ها را تعیین می‌کند (Wolfers, 1952: 485). برخی نیز تلقی ایجابی از امنیت دارند و بر اهمیت ترویج و پیشبرد حقوق بشر تأکید می‌کنند (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۴۰-۴۱). در این تلقی، امنیت به معنای وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولت‌مردان و شهروندان می‌باشد (افتخاری، ۱۳۷۸: ۲۷؛ افتخاری، ۱۳۹۰: ۹۱). در این میان، برخی نیز تلقی سازه‌ای از امنیت دارند و آن را به معنای «دستیابی به وضعیتی که «الف» (با انجام دادن یا انجام ندادن اقدام‌هایی) از آسیب، تعرض و تهدید «ب» مصون (و محفوظ) باشد تا به «ج» برسد (یا در وضعیت «ج» باشد)»، تعریف می‌کنند (لکزایی، ۱۳۹۳: ۱۳؛ ر.ک. لکزایی، ۱۳۹۱). به نظر نگارنده، از میان این تعاریف، تعریف سازه‌ای از امنیت علاوه بر قابلیت تطبیق با هریک از تعاریف سلبی و ایجابی امنیت، به دلیل تعبیه‌ی وجه غایت و هدف در تعریف امنیت، از جامعیت بیشتری نسبت به دیگر تعاریف برخوردار است و به گفتمان امنیتی اسلام (امنیت متعالی) که ضمن توجه به دنیا، غایت‌گرا (آخرت‌محور) می‌باشد، نزدیک‌تر است.

امنیت در یک تقسیم‌بندی به امنیت متعالی و امنیت متدانی (حداقلی و حداکثری) تقسیم می‌شود. در امنیت متعالی، متعلق امنیت، علاوه بر مواردی همچون فرهنگ عرفی (آداب و رسوم) و منافع ملی، شامل حقوق الهی (احکام دین) و نیز حقوق و آزادی‌های شهروندان نیز می‌شود. به‌عبارت دیگر، دال محوری از

میان متعلقات امنیت، رعایت شریعت اسلامی است. در واقع، امنیت متعالی، امنیت در چارچوب لحاظ حقوق الهی است. امنیت متدانی خود به امنیت متدانی حداکثری و حداقلی تقسیم می‌شود. متعلق امنیت در قسم متدانی حداکثری، صرفاً شامل منافع ملی، حقوق و آزادی‌های شهروندان می‌شود. امنیت موجود در نظام‌های مردم‌سالار سکولار (لیبرال دموکراسی و یا سوسیال دموکراسی) از جمله‌ی مصادیق این قسم است. در مجموع، مهمترین فرق امنیت متدانی حداکثری با امنیت متعالی، عدم توجه نسبت به امنیت حقوق الهی در زندگی اجتماعی شهروندان است.

اما در صورتی که متعلق امنیت متدانی، تنها شامل امنیت تحمیلی حکومت شود، امنیت متدانی حداقلی نامیده می‌شود. این قسم از امنیت متدانی، در نظام‌های استبدادی سنتی (مانند سلطنتی) و یا مدرن (مانند کمونیستی و یا ریاست‌جمهوری دایمی و موروثی) مشاهده می‌شود که در واقع، امنیت طبقه‌ی حاکم است. بنابراین، مهمترین تفاوت امنیت متدانی‌هی‌حداقلی با دو قسم دیگر، بی‌توجهی به امنیت حقوق الهی و امنیت حقوق و آزادی‌های شهروندان است.

اما امنیت از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، نعمت بزرگی شمرده می‌شود که در قرآن کریم به آن اشاره شده است (مقام معظم‌رهبری، ۱۳۷۸/۶/۱۰) و خداوند متعال در آیه‌ی شریفه‌ی «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطَعَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمْنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش: ۳ و ۴) در مقام منت‌گذارن بر قریش، «امنیت دادن» را به‌عنوان یکی از دو نعمت، مورد تأکید قرار می‌دهد (مقام معظم‌رهبری، ۱۳۷۳/۴/۲۹) (تعریف امنیت به مفهوم سلبی آن یعنی فقدان تهدید) (جوع و خوف). از دیدگاه ایشان، امنیت به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای یک ملت (مقام معظم‌رهبری، ۱۳۷۹/۰۷/۱۸) (تعریف امنیت به مفهوم ایجابی آن یعنی حق و نیاز اساسی و اصلی ملت). به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای، امنیت در درجه‌ی اول، از حقوق مردم است و شامل تمام مردم با هر سلیقه‌ی سیاسی حتی مخالف اساس نظام جمهوری اسلامی نیز می‌شود و تنها مجرم را در بر نمی‌گیرد (مقام معظم‌رهبری، ۱۳۷۹/۱۱/۲۵) (اشاره به مفهوم ایجابی امنیت). به اعتقاد ایشان امنیت، زمینه‌ی لازم برای پیشرفت‌های مادی و معنوی و شرط حرکت عظیم اجتماعی است (مقام معظم‌رهبری، ۱۳۷۸/۰۶/۱۰) (اشاره به بُعد تعالی‌بخش امنیت). از این‌رو، ایشان مجروح کردن امنیت را در حقیقت، مساوی با مجروح کردن اقتدار نظام معرفی می‌کند (مقام معظم‌رهبری، ۱۳۷۹/۱۱/۲۵). ایشان معتقدند که ناامنی، مهمترین خطری است که یک ملت را تهدید می‌کند (مقام معظم‌رهبری، ۱۳۷۹/۱/۱). به‌همین دلیل، اسلام برای کسانی که مردم را می‌ترسانند و محیط زندگی آن‌ها را ناامن می‌کنند، مجازات‌های سنگینی تعیین کرده است (مقام معظم‌رهبری، ۱۳۷۹/۱/۶).

«در قرآن، سوره‌ی احزاب، آیه‌ی شصت، می‌فرماید: «لَئِنْ يَنْتَهَ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ... قرآن می‌گوید: اگر «مُرْجِفُونَ» - یعنی کسانی که مرتب مردم را می‌ترسانند، آدم را ناامید می‌کنند، مردم را از اقدام باز می‌دارند - دست بر ندارند، «لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ» تو را به جان آن‌ها خواهیم انداخت. این، مرز آزادی است» (مقام معظم‌رهبری، ۱۳۷۷/۶/۱۲).



باتوجه به مطالبی که تاکنون درباره‌ی امنیت از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای بیان گردید و در ادامه نیز بیان خواهد شد، می‌توان گفت که تعریف امنیت از دیدگاه ایشان در قالب هریک از تلقی سلبی، ایجابی و سازه‌ای از امنیت قابل تبیین است. بنابراین، می‌توان امنیت را از دیدگاه ایشان به «مصونیت ارزش‌های مادی و معنوی ملت از تهدید برای رسیدن به پیشرفت‌های مادی و معنوی» تعریف کرد. آنچه که تعریف آیت‌الله خامنه‌ای از امنیت را با دیگر تعاریف به‌ویژه تعاریف سکولار و متدانی از امنیت، متمایز می‌سازد، توجه ایشان به عنصر معنویت اسلامی در امنیت و نقش آن در پیشرفت معنوی انسان و جامعه است. از این رو، می‌توان گفت که تعریف ایشان از امنیت، تعریفی متعالی محسوب می‌شود.

### نسبت امنیت سیاسی و آزادی سیاسی

در این قسمت، در راستای تبیین مناسبات امنیت سیاسی و آزادی سیاسی در اندیشه‌ی آیت الله خامنه‌ای، با بکارگیری چارچوب نظری برگرفته شده از نظریه استخدام (ادراکات اعتباری علامه طباطبایی)، با استفاده از روش برهان خلف، در ابتدا، بطلان تقدم هریک از امنیت سیاسی و آزادی سیاسی بر یکدیگر در اندیشه‌ی ایشان، تبیین می‌گردد. سپس طبق قاعده‌ی برهان خلف، پس از اثبات نادرستی دو فرض از فرض‌های سه‌گانه‌ی محتمل در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع مناسبات امنیت سیاسی و آزادی سیاسی، تنها یک فرض یعنی فرض تعامل و تلازم امنیت سیاسی و آزادی سیاسی باقی می‌ماند که به‌عنوان تنها دیدگاه صحیح در اندیشه‌ی ایشان به اثبات خواهد رسید.

#### ۱. بطلان تقدم امنیت سیاسی (متدانی حداقلی) بر آزادی سیاسی در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای (بطلان استخدام یک‌طرفه)

آزادی سیاسی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای به‌معنای «رهاشدن انسان از قید و بندهای طاغوت‌های سیاسی (دولت‌های سلطه‌گر خارجی و مستبد داخلی)، برای رسیدن به پیشرفت‌های مادی و معنوی (کمال الهی)»، تعریف می‌شود. با توجه به غایت تعبیه شده در این تعریف، آزادی سیاسی مورد نظر ایشان نیز آزادی‌ای، متعالی است که در عرصه‌ی زندگی سیاسی، علاوه بر توجه به رهایی دنیوی انسان به رهایی معنوی (کمال الهی) او نیز توجه دارد.

آزادی سیاسی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای یکی از حقوق مسلم شهروندان محسوب می‌شود. «اسلام آزادی را امر فطری انسان می‌داند. آزادی یک حق است؛ اما حقی برتر از سایر حقوق؛ مثل حق حیات؛... این، نظر اسلام است» (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۷۷/۶/۱۲). از این رو، هیچ‌کس حق سلب آزادی از جمله آزادی سیاسی را از شهروندان ندارد. به‌همین دلیل، از نظر ایشان، مردم ایران پس از انقلاب اسلامی از حق آزادی سیاسی برخوردار هستند و نقش داشتن مستقیم و غیرمستقیم آنان در اداره و تنظیم کارهای کشور و پیوند بین مسئولان و مردم نشانه‌ی وجود آزادی سیاسی در ایران است (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۶). مقام‌معظم‌رهبری در یکی از بیانات خود در بحث از آزادی اجتماعی، به سه بُعد و مصداق

مهم از آزادی سیاسی، یعنی آزادی به مثابه‌ی یک حق انسانی برای اندیشیدن (آزادی اندیشه)، گفتن (آزادی بیان) و انتخاب کردن (آزادی رأی و انتخاب)، اشاره می‌کنند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۶/۱۲). آیت‌الله خامنه‌ای در یکی دیگر از بیانات خود به یکی دیگر از مصادیق آزادی سیاسی یعنی، آزادی مطبوعات اشاره می‌کند و با اشاره به آزادی بیان و آزادی فکر به عنوان فلسفه‌ی انقلاب اسلامی، تصریح می‌کند که در نظام جمهوری اسلامی ایران، هیچ‌کس با مطبوعات آزاد مخالفتی ندارد (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۵/۸). آیت‌الله خامنه‌ای گرایش‌ها و اندیشه‌های سیاسی در جامعه‌ی اسلامی را آزاد می‌داند. ایشان معتقدند که از دیدگاه اسلام، هیچ‌کس را نمی‌توان به جرم داشتن یک فکر سیاسی یا علمی، تحت تعقیب قرار داد (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۵/۱۱/۱۷). بررسی بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه آزادی احزاب و نیز عملکرد ایشان در تأسیس حزب جمهوری اسلامی در ایران، نشان می‌دهد که ایشان به حزب و آزادی احزاب نیز معتقدند. البته ایشان به حزب به معنای صحیح آن اعتقاد دارند. از دیدگاه ایشان، هدف حزب نباید به دست آوردن قدرت باشد. بلکه هدف، می‌بایست هدایت فکری مردم به سمت فکر درست باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۱۲/۴). از دیدگاه ایشان آزادی سیاسی به معنای واقعی کلمه، زمانی محقق می‌شود که مردم علاوه بر رهایی از سلطه‌ی استبداد داخلی، از سلطه‌ی استعمار و استبداد خارجی نیز رهایی داشته باشند. از این رو از دیدگاه ایشان، آزادی ملت‌ها از نفوذ قدرت‌های جهانی، یکی دیگر از مصادیق آزادی سیاسی است. به اعتقاد ایشان، مردم ایران، به خاطر این که قدرت‌های بزرگ، قادر بر اعمال نفوذ بر آنها و نظام جمهوری اسلامی نیستند، دارای آزادی سیاسی بسیار با ارزشی هستند (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۹/۱).

در مجموع، با توجه به مطالبی که درباره‌ی آزادی سیاسی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای بیان شد فهمیده می‌شود که اولاً در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، آزادی سیاسی به مثابه‌ی یک حق برای انسان تلقی می‌شود. از این رو، اصل لزوم وجود آزادی سیاسی در جامعه مورد تأیید ایشان است و فرض وجود جامعه‌ای بدون آزادی سیاسی (جامعه‌ای امنیتی استبدادی) در اندیشه‌ی ایشان هیچ جایگاهی ندارد. ثانیاً آزادی سیاسی مورد نظر ایشان آزادی سیاسی متعالی است که ناظر به تعالی اخروی انسان است و در چارچوب دین تعریف می‌شود. از این رو، با آزادی سیاسی مطلق و آزادی سیاسی حداکثری لیبرالیستی سکولاریستی متمایز است. ثالثاً تمام مصادیق آزادی سیاسی (آزادی رأی و انتخاب، آزادی فکر، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی احزاب) حق مسلم هر یک از افراد جامعه است و سلب آن از آنان، استبداد سیاسی (امنیت سیاسی متدانی حداقلی) و استخدام یک‌طرفه‌ی مذموم و به عبارت دیگر، جامعه‌ای ظالمانه و ناعادلانه را در پی خواهد داشت. بنابراین، طبق قاعده‌ی برهان خلف، از دیدگاه ایشان فرض تقدم امنیت سیاسی (متدانی حداقلی) بر آزادی سیاسی (که در واقع مساوی محروم کردن شهروندان از حق مسلم‌شان یعنی آزادی سیاسی) پذیرفته نیست.

## ۲. بطلان تقدم آزادی سیاسی متدانی مطلق و یا حداکثری بر امنیت سیاسی در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای (بطلان استخدام یک‌طرفه)

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، آزادی به معنای رها بودن از هر قید و بند در هیچ‌یک از مکاتب، فرهنگ‌ها و نظرات فلسفی و اجتماعی به صورت یک ارزش ذکر نشده است. به اعتقاد ایشان، اگر انسان در هر کاری که مایل است انجام دهد آزاد باشد، نفس این آزادی، به‌طور طبیعی، آزادی بسیاری از مردم دیگر را محدود، و راحتی و امنیت آن‌ها را سلب خواهد کرد. از نگاه ایشان، لازمه‌ی داشتن یک زندگی مطلوب و راحت این است که مقداری از آزادی‌های انسان گرفته شود. بنابراین، از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، آزادی انسانیت و جامعه‌ی انسانی به صورت مطلق، به هیچ وجه ممکن نیست و طرفداری نیز ندارد (مقام‌معمظم‌رهبری، ۱۳۶۵/۱۰/۵). زیرا نتیجه‌ای جز هرج و مرج و سلب امنیت و آزادی دیگران به دنبال نخواهد داشت.

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای موضوعات و حوزه‌های امنیتی سیاسی (ارزش‌های حیاتی سیاسی) در جامعه وجود دارد که می‌بایست از هرگونه تهدیدی مصون باشند و آزادی شهروندان نیز نباید تهدیدی را متوجه آنها بکند. در واقع، آن ارزش‌ها، چارچوب و محدوده‌ی آزادی سیاسی شهروندان جامعه اسلامی هستند. دین اسلام، آزادی سیاسی، اخلاق سیاسی، منافع ملی (استقلال سیاسی، وحدت سیاسی، عدم التهاب در جامعه و...) از جمله‌ی مهمترین ارزش‌های حیاتی سیاسی و موضوعات و حوزه‌های امنیت سیاسی در اندیشه‌ی سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای هستند که در ادامه تبیین می‌گردد.

«هیچ‌کس حق ندارد از آزادی خود به‌نحوی استفاده بکند که به مردم، به جامعه، به دین، به انقلاب اسلامی، به جمهوری اسلامی ضرر و زبانی عاید بشود. در این محدوده، همه آزادند...» (مقام‌معمظم‌رهبری، ۱۳۵۹/۹/۷).

دین اسلام به‌ویژه قوانین سیاسی آن از جمله‌ی ارزش‌های حیاتی سیاسی در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای است که نباید با هیچ‌گونه تهدیدی مواجه شود. ایشان برای ریشه‌کن کردن آن تهدیدات و تحقق امنیت سیاسی در کشور، دستور به مبارزه با آنها می‌دهند. ایشان ضمن بیان این نکته که اساس مبارزات ملت ایران نشأت گرفته از اصل اسلامی عدم جدایی دین از سیاست است، معتقدند که دشمن با نشانه رفتن این اصل، در حال القاء جدایی دین از سیاست است (مقام‌معمظم‌رهبری، ۱۳۷۲/۲/۱۸). به اعتقاد ایشان، نظام استکباری برای سیطره بر ایران، در قالب دو جریان فرهنگی و سیاسی تصمیم به استحاله‌ی نظام اسلامی گرفته است. از دیدگاه ایشان، جریان فرهنگی قصد دارد، ملت ایران را نسبت به آرمان‌ها، عقاید و هدف‌های بی‌تفاوت کند و جریان سیاسی نیز در صدد است با ایجاد چالش بر سر قضایای غیر واقعی و به‌وجود آوردن گفتگو و بگو مگو بر روی مسلمات نظام جمهوری اسلامی مانند قانون اساسی و دین، در میان جناح‌های گوناگون برخاسته از انقلاب اسلامی، اختلاف و تشنج ایجاد کنند (مقام‌معمظم‌رهبری، ۱۳۸۲/۸/۲۳). از این رو، از دیدگاه ایشان، جواز شمول دایره‌ی آزادی سیاسی نسبت به موارد فوق به‌ویژه قوانین اسلامی در عرصه‌ی سیاسی، باعث سلب امنیت سیاسی در جامعه (استخدام یک‌طرفه و جامعه‌ای با

روابط ظالمانه) و در صورت استمرار، باعث به وجود آمدن هرج و مرج در اجتماع خواهد شد که به هیچ عنوان در اندیشه‌ی سیاسی ایشان پذیرفته نیست.

آزادی سیاسی شهروندان در جامعه نیز یکی دیگر از موضوعات امنیت سیاسی و ارزش‌های حیاتی سیاسی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای است، که در واقع، لازمه‌ی اعتقاد ایشان به آزادی و تأمین حقوق شهروندی است. «ما به آزادی معتقدیم، اعتقاد ما به آزادی و تأمین حقوق شهروندی در مسائل اجتماعی هم، ریشه‌دار و دارای مبانی دینی است» (مقام معظم‌رهبری، ۱۳۸۲/۵/۱۵). بنابراین، آزادی سیاسی شهروندان از نگاه ایشان علاوه بر محدود شدن به قوانین اسلامی به‌ویژه در عرصه‌ی سیاسی، همچنین محدود به رعایت آزادی سیاسی دیگر شهروندان در جامعه است. در واقع، جواز شمول دایره‌ی آزادی سیاسی نسبت به آزادی سیاسی دیگران، باعث شکل‌گیری روابط ظالمانه در میان شهروندان، استخدام یک‌طرفه و سلب امنیت سیاسی در جامعه خواهد شد که از دیدگاه امام خامنه‌ای پذیرفته نیست.

رعایت اخلاق سیاسی اسلامی در جامعه، یکی دیگر از موضوعات و ارزش‌های حیاتی سیاسی در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای است که آزادی سیاسی شهروندان نباید تهدیدی را نسبت به آن ایجاد کند. از نگاه ایشان، آزادی بیان می‌بایست همراه با صداقت و واقعیت باشد در غیر این صورت، امنیت سیاسی در جامعه به‌خطر خواهد افتاد. بنابراین، آزادی سیاسی پایمال‌کننده‌ی اخلاق سیاسی اسلامی، جامعه‌ای ناعادلانه که در آن استخدام، به‌صورت یک‌طرفه است و در آن، شهروندان امنیت سیاسی ندارند، شکل خواهد داد که چنین وضعیتی، از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای مردود است.

«و اما امنیت سیاسی؛ امنیت سیاسی معنایش این است که تفکرات و معارف سیاسی در جامعه، معارف واضح و دور از نفاق و دوگونه‌گویی و دوگونه‌اندیشی باشد. معنایش این است که کسانی که متصدی بیان مسائل سیاسی برای مردم هستند، نسبت به مردم امانت به‌خرج دهند. معنایش این است که کسانی که متصدی نوشتن و پخش کردن و منتشر کردن معارف فکری جامعه هستند، دروغ نگویند، فریب ندهند، تقلب نکنند و در طعمی که علی‌الظاهر شیرین هم هست، زهر مخلوط نکنند؛ این امنیت سیاسی است» (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۷۸/۶/۱۰).

منافع ملی یکی دیگر از ارزش‌های حیاتی سیاسی و موضوعات امنیت سیاسی از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای است که آزادی سیاسی نباید آن را به‌خطر بیندازد. سوء استفاده از آزادی سیاسی و در نتیجه، ایجاد التهاب در جامعه از جمله‌ی مصادیق تهدید امنیت سیاسی در اندیشه‌ی ایشان است. به اعتقاد ایشان، وجود التهاب در جامعه مانع احساس امنیت سیاسی مردم می‌شود. ایشان التهاب‌آفرینی را جزء سیاست‌های مخالفان جمهوری اسلامی می‌دانند و بیان می‌دارند که برخی از نخبگان سیاسی نیز نادانسته باعث افزایش التهاب‌ها می‌شوند. گفتگوها و بگومگوهای بی‌مورد و بیش از حد بر سر اشتباهات برخی نخبگان سیاسی و همچنین انتقادهای غیرمنصفانه و تخریبی نسبت به عملکرد دولت، از دیدگاه ایشان به‌عنوان مصادیق عوامل التهاب‌آفرینی در جامعه معرفی می‌شوند (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۸۷/۶/۳۰). همچنین، استفاده از آزادی سیاسی در جهت منافع دشمنان نظام اسلامی یکی دیگر از مصادیق تهدید منافع ملی در اندیشه‌ی

آیت‌الله خامنه‌ای است. بنابراین، آزادی سیاسی به هیچ عنوان شامل منافع ملی نمی‌شود زیرا در صورت شمول، باعث شکل‌گیری استخدام یک‌طرفه و روابط ظالمانه و سلب امنیت سیاسی نظام اسلامی خواهد شد که از دیدگاه مقام معظم پذیرفته نیست.

«هیچ‌کس با مطبوعات آزاد مخالفتی ندارد. فلسفه‌ی این انقلاب، آزادی است - آزادی بیان و آزادی فکر - اما طوری نباشد که حرف و خواست و تحلیل و جهت‌گیری دشمن را بر همه‌ی حرف‌های دیگر مقدم کنند؛ آن را اصل و ملاک قرار دهند. کسی که با دشمن دوست شد، دوست دیگر نمی‌تواند به او اعتماد کند» (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۷۸/۵/۸).

استقلال سیاسی نیز از جمله‌ی ارزش‌های حیاتی سیاسی جامعه در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای است که می‌بایست از هرگونه تهدیدی مصون باشد. ایشان، شعار استقلال را یکی از مهم‌ترین شعارها می‌دانند به‌گونه‌ای که با نبود استقلال، به وجود آزادی نیز نمی‌توان خوش‌بین بود. به‌اعتقاد ایشان، آزادی‌ای که استقلال سیاسی یک کشور را تهدید کند، در حقیقت، آزادی نیست. از این‌رو، از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، آزادی سیاسی نباید به‌گونه‌ای باشد که باعث تهدید استقلال سیاسی کشور گردد. زیرا در صورت از بین رفتن استقلال سیاسی، از یک‌سو، دشمنان بر عرصه‌ی سیاسی کشور مسلط خواهند گشت و استخدامی یک‌طرفه به سود خودشان در جامعه شکل خواهند داد (استعمار و استثمار)، و از سوی دیگر، آزادی سیاسی شهروندان را نیز سلب خواهند (ایجاد حکومتی وابسته: استبداد سیاسی) که در واقع، از این جهت نیز استخدامی یک‌طرفه شکل خواهد گرفت.

«برادران و خواهران عزیز من! مسأله‌ی استقلال را مطرح کردم، برای این که قانون اساسی ما تصریح می‌کند، نه استقلال می‌تواند جلو آزادی را بگیرد، نه آزادی می‌تواند جلو استقلال را بگیرد؛ و این بسیار مبنای متین و مستحکمی است. اگر کسانی به نام آزادی و با شعار آزادی بخواهند پای دشمن را باز و نفوذ او را برقرار کنند، این آزادی نیست. این، آن چیزی است که دشمن می‌خواهد» (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۷۹/۷/۱۴).

نظام سیاسی مشروع و قانون نیز از جمله‌ی ارزش‌های سیاسی و موضوعات امنیتی سیاسی در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای است. به اعتقاد ایشان آزادی نباید وسیله‌ی قانون‌شکنی و تیشه زدن به نظام جمهوری اسلامی باشد (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۹). زیرا در صورتی که دایره‌ی مصادیق آزادی سیاسی شامل نظام سیاسی مشروع و قانون عادلانه‌ی مصوب جامعه گردد، تضعیف نظام و قانون را در پی خواهد داشت که در واقع، امنیت سیاسی در جامعه تضعیف خواهد شد و این وضعیت، مستلزم شکل‌گیری استخدام یک‌طرفه و روابطی ظالمانه در جامعه خواهد شد که از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای پذیرفته نیست.

در مجموع، به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای در دین اسلام، حقیقت و ارزش‌های مسلم و ثابتی وجود دارد که آزادی، محدود به آنها است. به‌عبارت دیگر، از دیدگاه ایشان، آزادی در اسلام، علاوه بر حدود مادی، دارای مرزهای معنوی و اخلاقی است. مرزهای آزادی نیز از نظر ایشان، همان مرزهای اسلامی و چیزهایی است که در قرآن، حدیث و در فهم صحیح از دین، به‌عنوان مرز شناخته شده است. ایشان با اشاره به استثناء

بودن آن مرزها، بیان می‌دارند که در داخل آن مرزها می‌بایست اصل زیبایی درخشان آزادی مورد استفاده قرار گیرد (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۷۷/۶/۱۲).

در مجموع، از مطالبی که تاکنون درباره‌ی عدم جواز تهدید نسبت به ارزش‌های حیاتی سیاسی و موضوعات و حوزه‌های امنیتی سیاسی از دیدگاه آیت‌الله‌خامنه‌ای بیان شد فهمیده می‌شود که اولاً امنیت سیاسی به مثابه‌ی حقی مسلم برای انسان محسوب می‌شود از این رو، اصل لزوم وجود امنیت سیاسی در جامعه مورد تأیید ایشان است و فرض وجود جامعه‌ای بدون امنیت سیاسی در اندیشه‌ی ایشان جایگاهی ندارد. ثانیاً امنیت سیاسی مورد نظر ایشان، امنیت سیاسی متعالی است از این رو، به اعتقاد ایشان، آزادی سیاسی متدانی مطلق (که هرج‌ومرج‌آفرین است) و نیز آزادی سیاسی متدانی حداکثری (لیبرالیستی سکولاریستی که توجهی به دین ندارد) پذیرفته نیست و استخدام یک‌طرفه‌ی مذموم را در پی دارد و باعث سلب امنیت سیاسی متعالی می‌گردد. بنابراین، بر اساس قاعده‌ی خلف، فرض تقدم آزادی سیاسی (متدانی مطلق و یا متدانی حداکثری) بر امنیت سیاسی از دیدگاه ایشان باطل است.

### ۳. تعامل امنیت سیاسی و آزادی سیاسی در اندیشه‌ی آیت‌الله‌خامنه‌ای (استخدام دوطرفه)

بطلان فرض تقدم امنیت سیاسی متدانی حداکثری بر آزادی سیاسی در اندیشه‌ی آیت‌الله‌خامنه‌ای از یک سو، و از سوی دیگر، بطلان فرض تقدم آزادی سیاسی متدانی مطلق و یا حداکثری بر امنیت سیاسی در اندیشه‌ی ایشان، بر اساس قاعده‌ی برهان خلف، به صورت منطقی، فرض سوم یعنی تعامل و تلازم امنیت سیاسی و آزادی سیاسی را در اندیشه‌ی ایشان به اثبات می‌رساند. در واقع، امنیت سیاسی و آزادی سیاسی مورد نظر ایشان، هر یک در بقاء و استمرار دیگری نقش دارد به گونه‌ای که وجود یکی از آن دو نه تنها نافی وجود دیگری نیست بلکه ملازم آن است. به همین دلیل و نیز به دلیل اینکه امنیت سیاسی و آزادی سیاسی مورد نظر ایشان به تعالی و بُعد آخرتی انسان نیز توجه دارد، می‌توان آن دو را آزادی سیاسی متعالی و امنیت سیاسی متعالی نامید و از آزادی سیاسی متدانی حداکثری (لیبرالیستی سکولاریستی) و امنیت سیاسی متدانی حداکثری (لیبرالیستی سکولاریستی) که دارای تعامل و تلازم صوری می‌باشند، متمایز کرد.

«اسلام معتقد است که آزادی‌های مردم باید در چارچوب مقررات و ضوابط اسلامی باشد... آزادی یک محدوده معینی دارد، اسلام معین کرده آن محدوده را. ... و این آزادی به مراتب بیش از آن آزادی است که همه‌ی دولت‌های امروز دنیا دارند می‌گویند» (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۵۹/۹/۷).

بنابراین، از دیدگاه آیت‌الله‌خامنه‌ای، منظور از آزادی‌ای که نیاز اصلی انسان است و از دست رفتن آن فاجعه است (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۹)، آزادی مشروع و قانونی است. و به تعبیر دیگر ایشان، منظور از آن، آزادی اسلامی است (مقام‌معظم‌رهبری ۱۳۶۵/۱۱/۳). و آزادی خارج از مرزهای قانونی و شرعی، در حقیقت، آزادی نیست (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۳). چنین آزادی‌ای هیچ‌گاه ارزش‌های حیاتی دیگر جامعه را به خطر نمی‌اندازد، و فقط آزادی مطلق و بی‌قید و شرط است که هم مخل آزادی است و هم

ارزش‌های دیگر را به‌خطر می‌اندازد و به‌عنوان تهدید امنیتی تلقی می‌شود. البته بیان گردید که چنین آزادی‌ای از دیدگاه ایشان در حقیقت، آزادی نیست.

بنابراین، آنچه که از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای درباره‌ی نسبت آزادی سیاسی و امنیت سیاسی فهمیده می‌شود، این است که آزادی سیاسی از دیدگاه ایشان، هم در تقویت و هم در تضعیف امنیت سیاسی در بُعد سلبی و ایجابی آن مؤثر است. آزادی سیاسی در صورتی که در چارچوب قانون باشد، تهدیدی برای ارزش‌های حیاتی جامعه مانند دین، انقلاب اسلامی، ولایت فقیه، وحدت و غیره محسوب نمی‌شود، در این صورت، امنیت سیاسی سلبی تقویت می‌شود و نیز استمرار می‌یابد. از سوی دیگر، با توجه به این که وجود چنین آزادی سیاسی‌ای نوعی رضایت‌مندی در جامعه ایجاد می‌کند، از این رو، امنیت سیاسی ایجابی نیز در جامعه، تقویت و استمرار می‌یابد. امنیت سیاسی نیز در تضمین و استمرار آزادی سیاسی مؤثر است. زیرا یکی از شرایط وجود امنیت در بُعد سلبی، فقدان تهدید نسبت به آزادی سیاسی به‌عنوان یک ارزش حیاتی در جامعه است. همچنین در بُعد ایجابی نیز، آزادی سیاسی از خواسته‌هایی است که پاسخ مثبت به آن، تولید رضایت‌مندی در جامعه می‌کند. بنابراین، در اندیشه‌ی ایشان، امنیت سیاسی و آزادی سیاسی در صورتی که در چارچوب قانون عادلانه (مقام معظم رهبری، ۱۳۵۹/۹/۷) باشند، هر یک در تقویت و استمرار دیگری مؤثر است. اما در صورتی که آزادی سیاسی و امنیت سیاسی از چارچوب قانونی خارج گردند، در این وضعیت، هریک از آن دو، در تخریب و نابودی یکدیگر تأثیر می‌گذارند و آزادی به هرج‌ومرج و در نهایت، به استبداد منجر خواهد شد.

«مسئولان حکومت‌ها اجازه ندارند حق طبیعی آزادی - یعنی آزادی‌های قانونی - را از کسی سلب کنند. البته این لطفی نیست که حکومت‌ها می‌کنند؛ باید آزادی را بدهند و این یک وظیفه و تکلیف است... عده‌ای می‌خواهند با آشنا نبودن ما با فرهنگ آزادی، هرج‌ومرج به‌وجود آورند تا مردم تشنه‌ی یک استبداد قدرتمند شوند. در بعضی از جوامع، کار هرج‌ومرج و اغتشاش و بی‌انتظامی و بی‌انضباطی به‌جایی می‌رسد که مردم آرزو می‌کنند کاش آدم مستبد و قلدری بیاید و نظم را برقرار کند!... اینها دشمنان آزادی‌اند. آزادی را نباید بدنام کرد. آزادی نباید وسیله‌ی قانون‌شکنی و تیشه‌زدن به ریشه‌ی نظام جمهوری اسلامی باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۹).

به بیان دیگر، در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای، آزادی‌های قانونی در تقابل با امنیت قرار ندارد بلکه تحقق امنیت، ارتباط مستقیم با تحقق آزادی‌های قانونی دارد. یعنی عدم وجود آزادی‌های سیاسی در جامعه و یا وجود تهدید نسبت به آن‌ها، نشانه‌ی ناامنی در جامعه است، از این رو، یکی از شرایط وجود امنیت در یک جامعه، این است که مردم بتوانند از حقوق سیاسی قانونی‌شان استفاده کنند. بنابراین، امنیت سیاسی و آزادی سیاسی از دیدگاه ایشان، رابطه‌ای مستقیم با یکدیگر دارند. یعنی تقویت و استمرار استفاده‌ی مردم از آزادی‌های سیاسی قانونی، مساوی با تقویت و استمرار امنیت سیاسی است. همچنین، عکس این قضیه نیز صادق است. یعنی تقویت و استمرار امنیت سیاسی مساوی با تقویت و استمرار آزادی‌های سیاسی است. بنابراین، معلوم می‌شود که میان امنیت سیاسی و آزادی سیاسی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نوعی

رابطه تعاملی و تلازمی و تأثیر و تأثری مستقیم وجود دارد که مستلزم سود رسانی متقابل و استخدام دوطرفه عادلانه است.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله در پاسخ به این سؤال که امنیت و آزادی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری دارای چه نسبتی می‌باشند؟ نتایج ذیل بدست آمد:

۱- فرض تقدم آزادی سیاسی بر امنیت سیاسی و نیز تقدم امنیت سیاسی بر آزادی سیاسی در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای پذیرفته نیست و مستلزم سود رسانی و استخدام یک‌طرفه خواهد شد. در این وضعیت، جامعه‌ای مبتنی بر سلطه و ظلم شکل خواهد گرفت که ضمن تضییع حقوق دنیوی هر یک از افراد جامعه‌ی انسانی، بُعد اخروی انسان و اجتماع نیز تضییع خواهد شد.

۲- امنیت سیاسی و آزادی سیاسی در اندیشه‌ی ایشان دارای رابطه‌ای تعاملی و تلازمی می‌باشند. در این صورت، جامعه‌ی عادلانه‌ای شکل خواهد گرفت که در میان حکومت و شهروندان آن جامعه و نیز در میان شهروندان با یکدیگر، وضعیت استخدام و سود رسانی دوطرفه برقرار است. در این حالت، علاوه بر حفظ حقوق دنیوی افراد، زمینه‌ی تکامل اخروی آنان نیز فراهم خواهد شد.

۳- از دیدگاه مقام معظم رهبری، تنها در صورت متعالی بودن هریک از امنیت سیاسی و آزادی سیاسی است که مناسبات میان آن دو، تعاملی و تلازمی می‌گردد. در غیر این صورت (عدم‌متعالی بودن امنیت سیاسی و آزادی سیاسی) نتیجه‌ای جز ظلم، سلطه، سود رسانی و استخدام یک‌طرفه در جوامع انسانی و در روابط میان دولت‌ها و ملت‌ها حکم‌فرما نخواهد شد.

### منابع

- قرآن کریم
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۸)، «ظرفیت طبیعی امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، امنیت، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- انوری، حسن و همکاران (۱۳۸۷)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن.
- برلین، آیزابا (۱۳۶۸)، چهار مقاله درباره آزادی، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی.
- تمیمی‌آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۴۱۰)، غررالحکم و دررالکلم، به تصحیح سیدمهدی رجائی، قم: دارالکتاب الاسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.



- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹)، *نظریه‌های امنیت*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- عمید، حسن (۱۳۶۳)، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- کراچکی، محمدبن علی (۱۴۱۰)، *کنزالفوائد*، به تصحیح عبدالله نعمه، قم: دارالذخائر.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷)، *الکافی*، به تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۹)، «کاربردهای امنیتی انسان‌شناسی حکمت متعالیه»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، شماره‌ی ۵۰.
- لکزایی، نجف (۱۳۹۰)، «امنیت از دیدگاه آیت الله جوادی آملی»: فصلنامه‌ی *اسراء*، شماره‌ی ۷.
- لکزایی، نجف (۱۳۹۱)، «سخنرانی در هفدهمین نشست علمی تخصصی مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) با عنوان «فقه امنیت»، هفدهم آبان.
- لکزایی، نجف (۱۳۹۳)، «امنیت متعالیه»، فصلنامه‌ی *سیاست متعالیه*، سال دوم، شماره‌ی ۵.
- لکزایی، نجف (۱۳۹۴)، «مکتب امنیتی متعالیه با نگاهی به اندیشه امام خمینی(ره)»، فصلنامه آفاق امنیت، سال هشتم، شماره‌ی ۲۶.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶)، *روضه‌المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*، به تصحیح حسین موسوی کرمانی و علی‌پناه اشتهااردی، قم: مؤسسه‌ی فرهنگی کوشانبور.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، *مجموعه‌ی آثار شهید مطهری*، تهران: صدرا.
- میراحمدی، منصور (۱۳۸۱)، *آزادی در فلسفه سیاسی اسلام*، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- ویلیامز، پل دی (۱۳۹۰)، *درآمدی بر بررسی‌های امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: امیرکبیر.
- پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، دسترسی در

www.Khamenei.ir.

- Wolfers, Arnold (1952), "National Security as an Ambiguous Symbol", *Political Science Quarterly*, Vol. 67, No. 4. (Dec., 1952), pp. 481-502
- Gray, Tim (1991), *Freedom*, Humanities Press International in C. Atlantic. Highlands N.J.